

نغمه های جاویدان

منتخبی از مزامیر داود

هفته هشتم

فهرست مندرجات

- | | | |
|----|--|------------------|
| ۱ | (مزمر ۹۷) : اقتدار و سلطنت خدا | فصل پنجم |
| ۲ | (مزمر ۱۰۰) : اصول عبادت | فصل پنجه و یکم |
| ۳ | (مزمر ۱۰۲) : دعای شخص محنت زده | فصل پنجه و دوم |
| ۵ | (مزمر ۱۰۳) : تمجید به سبب رحمت های خدا | فصل پنجه و سوم |
| ۶ | (مزمر ۱۰۷) : سرود نجات یافتنگان | فصل پنجه و چهارم |
| ۸ | (مزمر ۱۰۹) : درخواست کیفر | فصل پنجه و پنجم |
| ۱۰ | (مزمر ۱۱۰) : سرود پادشاه و کاهن | فصل پنجه و ششم |

((فصل پنجم))

(مزمور ۹۷) : اقتدار سلطنت خدا

ظهور خداوند به عنوان پادشاه

۱ خداوند پادشاه است! همه زمین شادی کنید. جزایر دور دست را گوئید که مسرور گردند. ۲ ابرها و تاریکی گردآگرد اوست! عدل و انصاف اساس تخت وی می باشند. ۳ آتش پیشاپیش او در حرکت است و تمام خصمان وی را می سوزاند. ۴ برقهایش زمین را روشن می سازند. زمین می بیند و می لرزد. ۵ کوهها در حضور خداوند جهانیان چون موم گداخته می گردند. ۶ آسمان ها عدالت کامل او را بیان می کنند؛ هر ملتی جلال او را می بیند.

نتایج سلطنت او

۷ بگذارید آنهایی که بتها را پرستش می کنند رسوا شوند، یعنی همه آنانی که درباره بتها بیشурور خود لاف می زنند- زیرا هر خدائی باید در برابر خدای واحد حقیقی بی افتاد و اورا سجده کند! ۸ خداوندا، اورشلیم و جمیع شهرهای یهودا از عدالت تو مطلع شده و مسرور هستند که تو با جلال و شکوه بر تمامی دنیا حکمرانی می کنی و از خدایان دیگر بی نهایت بزرگتر می باشی. ۹ خداوند آنانی را که از بدی نفرت دارند، دوست دارد؛ او حافظ جانهای مقدسان خود است. ۱۰ برکات روحانی در انتظار مؤمنان است و شادی در انتظار نیکوکاران ۱۱ همه مؤمنین در خداوند شاد باشند و نام قدوس او را جلال دهند.

((فصل پنجه و یکم))

(مزمور ۱۰۰) : اصول عبادت

و جد نمودن

۱) ای همه ساکنان جهان در حضور خداوند بانگ شادمانی زنید! ^۲ با خوشحالی او را اطاعت کنید؛ سرود خوانان با شادی به حضور وی بیائید ^۳ دریابید که معنی این چیست-خداوند، خداست! او ما را آفرید-ما قوم وی و گوسفندان مرتع وی می باشیم.

تبیح خواندن

^۴ با شکرگزاری داخل دروازه های مفتوح او بشوید؛ به صحن های او حمد گویان وارد شوید. او را سپاس گوئید و نام وی را متبارک خوانید. ^۵ زیرا خداوند دائمًا نیکوست. همواره رحیم و مهربان می باشد و وفاداری وی در تمام نسل ها باقی است.

((فصل پنجم و دوم))

(مزمر ۱۰۲) : دعای شخص محنت زده

نالیدن از رنج و نامیدی

۱ خداوند، دعایم را بشنو! به درخواست من گوش فرا ده!^۲ در این موقع اضطراب روی خود را از من مگردان، به من گوش فرا ده و به زودی پاسخ مرا بده،^{۳ و ۴} زیرا روزهایم چون دود ناپدید می‌گردند. سلامتی ام از دست رفته و دلم مریض است؛ مانند گیاه پژمرده و پاییمال شده ام. غذا در دهانم بی مزه است و اشتهایم را از دست داده ام.^۵ در اثر نالیدن و نامیدی فقط پوست و استخوانم مانده است.^۶ مانند مرغ سقای صحراء مثل بوم در ویرانه، تنها مانده ام.^۷ چون گنجشک تنها در پشت بام، دراز می‌کشم و پلکهایم بسته نمی‌شوند.

۸ خصم‌مان هر روزه مرا سرزنش و استهzae می‌کنند.^{۹ و ۱۰} به جای نان غم و غصه می‌خورم. به سبب خشم و غصب تو، اشکهایم به داخل جام نوشابه ام می‌غلطند. زیرا مرا رد کرده و بیرون انداخته ای.^{۱۱} زندگی ام چون سایه در هنگام غروب به سرعت می‌گذرد. چون گیاه در حال پژمردگی هستم،
خداوند تغییر ناپذیر و دلسوز

۱۲ در حالیکه تو ای خداوند، پادشاهی نامدار و لازوال می‌باشی. اشتهار تو تا جمیع نسلها باقی است.^{۱۳} می‌دانم که خواهی آمد و بر اورشلیم ترحم خواهی فرمود- وحال زمانی است که بر اورشلیم ترحم نمائی -زیرا وعده اعانت فرموده ای.^{۱۴} چون قوم تو هر یک از سنگهای بنای آن را دوست دارند و برای هر ذره از خاک خیابان‌های آن احساس دلسوزی و شفقت می‌نمایند.^{۱۵} اکنون بگذارید ملتها و سروران آنها از حضور خداوند و از عظمت او بLERZند.^{۱۶} زیرا خداوند، اورشلیم را تجدید خواهد نمود! او در شکوه و جلال ظاهر می‌شود.^{۱۷} او دعای مسکینان را می‌شنود. او دعاهای ایشان را نشنیده خواهد گرفت.^{۱۸} من این را یادداشت می‌کنم تا نسلهای آینده نیز خداوند را برای آنچه که انجام داده است ستایش کنند، و قومی که بوجود آیند او را بستانند.^{۱۹} به آنها بگو که خدا از مسکن خود در آسمان به پائین نظر افکند،^{۲۰} و ناله‌های قوم خود را در بردگی شنید (یعنی آنهائی که برای مردن معین شده بودند) و ایشان را آزاد گردانید،^{۲۱} ۲۲ و ۲۳ تا جمعیت برای ستایش او به معبد بروند، و حمد او در تمام شهر اورشلیم خوانده شود؛ و بسیاری از حکمرانان سراسر جهان خواهند آمد تا او را پرستش کنند.

﴿مقایسه ضعف انسان با قدرت خدا

۲۴ او در نیمه زندگی، حیات مرا قطع و ایام را کوتاه نموده است. اما بسوی او فریاد کشیدم: «ای خدا

تو تا به ابد زنده هستی! مگذار در نیمه زندگانی بمیرم!^{۲۵} در ابتدا تو بنیان زمین را نهادی و با دست خویش آسمانها را آفریدی!^{۲۶} آنها زایل خواهند شد، لکن تو جاوید میمانی. مانند لباس پوسیده به فنا می‌گرایند، و تو چون شخصی که لباسهای مندرس خود را به دور اندازد و لباس نوبر تن کند، آنها را عوض می‌کنی!^{۲۷} اما تو فنا ناپذیر می‌باشی. باقی هستی و سالهایت بی‌انتهای است.^{۲۸} ولی ذریت ما باقی خواهند ماند؛ و تو آنها را در تمام نسلها محافظت خواهی فرمود.

(فصل پنجم و سوم)

(مزمر ۱۰۳) : تمجید به سبب رحمتهای خدا

تمجید برای برکات نجات کامل

۱ نام مقدس خدا را با تمامی دل متبارک می خوانم.^۲ آری، خداوند را متبارک می خوانم و کارهای باشکوهی را که برای من انجام می دهد فراموش نمی کنم.^۳ او تمام گناهانم را می بخشد! مرا شفا می دهد!^۴ او مرا از دوزخ فدیه می دهد! رحمت و احساس وی مرا احاطه نموده است!^۵ با چیزهای نیکو زندگی ام را پر کرده است. جوانی ام چون عقاب تازه گشته است.^۶ عدالت را در حق جمیع مظلومان به جا می آورد.^۷ او ذات و اراده خود را برموسی و قوم اسرائیل نمایان ساخت.

ستایش صفات عالی خداوند

^۸ خدا در حق کسانی که سزاوار لطف و رحمت او نیستند، رئوف و مهربان است. دیر خشم و پر از رحمت و محبت می باشد!^۹ او هرگز کینه را در دل نگاه نمی دارد و هیچگاه خشمگین باقی نمی نماند.^{۱۰} خدا ما را به خاطر جمیع گناهانمان آنطوری که مستحق بوده ایم تنبیه نکرده است.^{۱۱} زیرا رحمت تو در حق آنانی که از او می ترسند و احترامش می گذارند بسیار عظیم است.^{۱۲} باندازه ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه او گناهان ما را از ما دور کرده است.^{۱۳} او برای ما چون پدر است، و مهربان و دلسوز برای آنانی که او را محترم می دارند.^{۱۴} زیرا می داند که خاک هستیم،^{۱۵} و ایام ما کوتاه است، مثل گیاه مانند گلها،^{۱۶} باد بر آنها وزیده تا ابد نیست می گردد.^{۱۷} ^{۱۸} اما رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا ابد می باشد؛ نجات او برای فرزندان فرزندان آنانی است که نسبت به عهد او وفادار هستند و فرایض او را یاد می دارند تا آنها را به جا آورند!

ستودن خدا به خاطر برقراری ملکوتش

^{۱۹} خداوند آسمانها را تخت خود ساخته است؛ از آنجا بر همه موجودات حکمرانی می کند.^{۲۰} خداوند را متبارک خوانید ای فرشتگان زورآور که گوش به فرمان او هستید تا دستوراتش را به جا آورید.^{۲۱} بلی، شما هم خداوند را متبارک خوانید ای لشکریان سماوی که پیوسته در خدمت او هستید.^{۲۲} بگذارید همه چیز در همه جا خداوند را متبارک بخوانند. من نیز او را دائماً متبارک می خوانم!

((فصل پنجاه و چهارم))

(مزمر ۱۰۷) : سرود نجات یافتگان

دعوت برای شکرگزاری

^۱ خداوند را حمد گوئید زیرا که او نیکوست و دائماً رئوف و مهربان می باشد. ^۲ آیا خدا تو را رستگار نموده است؟ پس به همه اعلام کن که او تو را از دست دشمنان نجات داده است. ^۳ او تبعید شدگان را از دورترین نقطه جهان برگردانیده است.

رهبری آوارگان

^۴ آنها در صحراء آواره و بی خانمان ^۵ و گرسنه و تشنه و ضعیف بودند. ^۶ آنگاه فریاد برآوردنده: «خداوندا ما را کمک فرمای!» و او ایشان را یاری فرمود! ^۷ خدا آنها را مستقیماً به مکانی امن برای زیستن هدایت فرمود. ^۸ کاش این اشخاص خداوند را به سبب جمیع رحمت‌ها و کارهای عجیبی که در حق ایشان انجام داده است حمد گویند! ^۹ زیرا او عطش روح را رفع و گرسنگی جان را با چیزهای نیکو سیر می گرداند.

بیرون آوردن نشینندگان سایه موت

^{۱۰} اینها چه کسانی هستند که در تاریکی و سایه موت نشسته و به بدبوختی و بردگی گرفتارند؟ ^{۱۱} (اینها کسانی هستند) که بر علیه خدا طغیان کردند و او را که خدای خدایان است استهza نمودند. ^{۱۲} به همین سبب بود که آنها را به مشقت ذلیل ساخت؛ ایشان افتادند و هیچکس نتوانست بار دیگر آنها را بلند کند. ^{۱۳} آنگاه در تنگی خود نزد خدا فریاد برآوردنده و او ایشان را رهائی بخشید! ^{۱۴} او ایشان را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و زنجیرهای آنان را گست! ^{۱۵} کاش این اشخاص خداوند را برای جمیع رحمت‌ها و کارهای عجیبی که در حق ایشان انجام داده است، حمد گویند! ^{۱۶} زیرا او دروازه‌های برنجین زندان ایشان را در هم شکسته و نرده‌های آهنین آن را قطع نموده است.

مراقبت از بیماران

^{۱۷} دیگران یعنی نادانان، به سبب طرق گناه آسود خویش بیمار گشتند. ^{۱۸} اشتها خود را از دست دادند و بر لب گور قرار گرفتند. ^{۱۹} آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردنده، و او ایشان را یاری نموده و رهائی بخشید. ^{۲۰} او سخن گفت و ایشان شفا یافتند یعنی آنها را از دروازه مرگ در ربود. ^{۲۱} کاش این اشخاص خداوند را به جهت جمیع رحمت‌ها و کارهای عجیبی که در حق ایشان انجام داده است حمد گویند! ^{۲۲} بگذارید قربانیهای تشکر را برای او بگذرانند و درباره اعمال شگفت آور او بسرایند.

رهانیدن دریانوردان

همچنین دریانوردان که از همه دریاها گذشتند و به کار تجارت مشغول شدند،^{۲۴} آنها نیز قدرت خدا را در عمل مشاهده کردند،^{۲۵} او باد و طوفان را خواند و امواج بر افراسته شد.^{۲۶} کشته‌ها به بالا پر شده و به اعماق فرو می‌رفتند؛ دریانوردان از ترس به خود می‌پیچیدند.^{۲۷} مانند مستان، افتان و خیزان شدند و نمی‌دانستند چکار کنند.^{۲۸} آنگاه در تنگی خود نزد خدا فریاد برآوردند، و او ایشان را رهائی بخشدید!^{۲۹} او طوفان را آرام و امواج را ساکت گردانید.^{۳۰} چه آرامش پر برکتی بود، چنان که بدون خطر به ندرت مقصود رسیدند!^{۳۱} کاش این اشخاص خداوند را به سبب جمیع رحمت‌ها و اعمال شگفت‌انگیزی که در حق ایشان انجام داده است، شکر گویند.

تقدیر الهی

بگذارید در حضور جماعت و رهبران مملکت او را حمد گویند.^{۳۲} او رودخانه‌ها را خشکانید،^{۳۳} سرزمین‌های حاصلخیز شریران را به بیابانهای شوره زار مبدل ساخت.^{۳۴} او بار دیگر شوره زارها را حاصلخیز و وادی‌ها را پر آب خواهد نمود!^{۳۵} او گرسنگان را در آنجا مقیم می‌گرداند و شهرهای ایشان را بنا می‌کند،^{۳۶} تا کشت و زرع کنند و تا کستانها غرس و محصول فراوان خود را جمع کنند!^{۳۷} خدا چقدر آنها را برکت می‌دهد! در آنجا خانواده‌های بزرگ پرورده و بهایم ایشان بغايت کثیر می‌شوند.^{۳۸} اما دیگران در اثر ظلم و مشقت و حزن، بیچاره و فقیر شدند.^{۳۹} زیرا خدا متکبران را خوار و سروران را در میان ویرانه‌ها آواره می‌سازد.^{۴۰} اما خدا فقیرانی را که خدا ترس می‌باشند رستگار می‌سازد و به ایشان فرزندان و مال فراوان می‌بخشد.^{۴۱} صالحان در هر جا این را دیده شادمان می‌شوند، در حالی که بدکاران خاموش می‌گردند.^{۴۲} اگر خردمند هستی به هر آنچه که می‌گوییم گوش فراده. درباره رحمتهاي خداوند تفکر و تعقل نما!

((فصل پنجم و پنجم))

(مزمور ۱۰۹): در خواست کیفر

یاری خواستن از خدا

^۱ ای خدای تسبیح من خاموش مباش و از من دور مایست، ^۲ هنگامی که بدکاران به من تهمت می‌زنند و در حق من دروغ می‌گویند. ^۳ بدون علت از من نفرت دارند و با من می‌جنگند. ^۴ ایشان را دوست دارم، ولی در حالی که برای آنها دعای خیر می‌کنم می‌کوشند تا مرا هلاک نمایند. ^۵ در عوض نیکی، بدی، و به جای محبت عداوت می‌کنند.

درخواست کیفر

^۶ آنچه را که در حق من روا داشت برا او وارد ساز! بگذار درباره وی شهادت دروغ بدهند، و او را برای محاکمه به پیش یک قاضی ظالم بیاورند. ^۷ هنگامی که به دادگاه احضار شود، مجرم شناخته شود! دعای وی را گناه محسوب نما! ^۸ ایام عمرش کم و کوتاه شود؛ منسב او را دیگری ضبط نماید. ^۹ فرزندانش یتیم و زنش بیوه، و خانه خراب و آواره گردند. ^{۱۰} طلبکاران، تمام دارائیش را ضبط و بیگانه‌ها هر آنچه را که اندوخته است تاراج کنند. ^{۱۱} ^{۱۲} کسی برا او ترحم نکند و بر فرزندان یتیمش شفقت ننماید. باشد که بمیرند و یکباره نام او منقطع و محو گردد. ^{۱۳} گناهان والدین او را توبیخ نما-آنها را نادیده مگیر ^{۱۴} اعمال بدی که انجام داده است دائمًا در نظر تو باشد، و نام او را از خاطره انسان محو ساز. ^{۱۵} زیرا از رحمت نمودن امتناع ورزید، و بر مسکینان جفا کرد و شکسته دلان را تا به مرگ تعقیب نمود. ^{۱۶} ^{۱۷} نفرین نمودن دیگران را دوست داشت؛ حال، تو او را لعنت نما. هرگز خیریت دیگران را نمی‌خواست. اکنون تو او را متبارک مگردن. ^{۱۸} ^{۱۹} لعنت را مثل لباس خود در بر میگیرد، مانند آب می‌نوشد و چون غذای مقوی می‌خورد! ^{۲۰} پس مثل جامه‌ای که او را می‌پوشاند و چون کمربندی که با آن همیشه بسته می‌شود، لعنت برا او خواهد بود. این است تنبیه بد خواهان من از جانب خداوند که درباره ام به دروغ شهادت می‌دهند و مرا به مرگ تهدید می‌نمایند.

دعا به جهت حمایت

^{۲۱} اما تو ای خداوند در حق من چون فرزند خویش، و چون کسی که نام تورا بر خود دارد، عمل نما! چون که بسیار رحیم هستی ای خداوند مرا رستگار ساز. ^{۲۲} ^{۲۳} من فقیر و مستمند هستم. مانند ملخ رانده شده ام، همچون سایه زودگذر، زندگی ام رو به زوال می‌باشد. ^{۲۴} زانوهایم از روزه گرفتن میلرزد و بسیار لاغر و

ضعیف شده ام ^{۲۵} برای همه بشریت نمونه شکست می باشم؛ وقتی که مرا می بینند سرهای خود را می جنباند.
مرا امداد فرما ای خدای من؛ بر حسب رحمت و محبت خویش مرا نجات بده. ^{۲۶} در ملاء عام مرا نجات
بده تا همه بدانند که تو این را کرده ای. ^{۲۷} اگر چه ایشان مرا لعنت کنند لکن تو مرا برکت بده! آنگاه موفق
نخواهند شد که مرا نابود کنند و بنده تو شادمان خواهد گردید. ^{۲۸} در هر کاری که انجام می دهن، آنها را
شکست بده. ایشان را رسوا گردن. ^{۲۹} خداوند را دائماً شکر می کنم. او را در حضور همه تمجید می نمایم!
زیرا او در کنار مسکینان و گرسنگان ایستاده تا آنها را از بدخواهانش برهاند.

(فصل پنجم و ششم) (مزمور ۱۱): سرود پادشاه و کاهن

قدرت و شخصیت پادشاه

^۱ خدا ، به خداوند من مسیح گفت: «چون نماینده مقتدر من حکمرانی کن تا دشمنانت را به تو تسليم نمایم و سجده ات کنند» ^۲ خدا تخت تورا در اورشلیم برقرار ساخته تا بر دشمنانت حکومت کنی. ^۳ در آن روزی که به قدرت بررسی، ملت تو با کمال میل در لباس قدوسیت به حضورت خواهند آمد، و هر روزه قدرت تو چون شبینم صبحگاهی تازه می شود!

تعیین کاهن

^۴ خدا قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد، که تو در مقام ملکیصدق تا ابد کاهن هستی. ^۵ خداوند که به دست راست توست در روز غصب خود پادشاهان را شکست خواهد داد. ^۶ او ملتها را تنبیه نموده، و آنها را از لاشها پر خواهد ساخت. و سرهای بسیاری را خواهد شکست. ^۷ اما خود از چشمه های کنار راهها نوشیده نیروی تازه خواهد یافت.